

## دستور جلسه: ادامه مبحث طرح‌های مرتعداری

حاضرین: مهندس خادمی، دکتر افتخاری، مهندس زهدی (شورای عالی جنگل و مرتع)، مهندس بهزاد، دکتر نعمت‌آبی، مهندس آزادی، دکتر ارزانی، مهندس دلاوری (معاون فنی اداره منابع طبیعی خراسان رضوی)، مهندس پهلوان (رییس انجمن صنفی مرتعداران کشور)، مهندس فیاض و سرکار خانم مهندس اژدری (شرکت سنستا).

غایبین: مهندس یآوری، دکتر باغستانی، مهندس قزل‌سفلو (معاون فنی اداره منابع طبیعی گلستان)، دکتر رزاقی، مهندس علیزاده، مهندس مقیمی (بازنشسته سازمان جنگلها و مراتع)، مهندس علمدار (نایب رییس کانون مرتعداران کشور)، مهندس یوسفی (مدیر کل اداره منابع طبیعی استان مرکزی) و سرکار خانم دکتر رضوی (شرکت سنستا).

### نظرات ارائه شده در جلسه:

- در جلسات قبلی گروه راهبردی تعادل دام و مرتع چند دیدگاه در ارتباط با راهبرد مراتع کشور به شرح زیر مورد بحث قرار گرفت:  
**دیدگاه اول:**

اصل باید بر حفاظت از مراتع باشد دفتر امور مراتع باید در چارچوب مسؤلیتهای قانونی در این بخش متمرکز شود. مشکلات دام، مردم، قوانین و ... در حوزه مسؤلیتهای سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری نیست. ورود سازمان یاد شده به این گونه مشکلات موجب می‌گردد از حل مشکل اساسی (مراتع) غافل و در حجم بالای مشکلات سردرگم شود. با توجه به بضاعت و امکانات خود قادر به حل همه این مشکلات نیز نیست.

### دیدگاه دوم:

شغل مرتعداری در کشور باید جذاب شود تا افراد از این شغل خارج نشوند و ضمن اینکه افراد زیادی نیز وارد این بخش شوند.

### دیدگاه سوم:

مرتعداری در کشور باید اقتصادی شود تا مرتعداران توانایی سرمایه‌گذاری در مراتع خود را داشته باشند. دستیابی به این هدف با مشکلاتی مواجه است که در چارچوب سیاست‌گذاریهای کلان اقتصادی کشور قابل بررسی است. شواهد حاکی از آن است که هزینه تولید افزایش و قیمت گوشت منبع اصلی درآمد دامداران متناسب با افزایش هزینه‌های تولید افزایش نیافته است، به نوعی دامداران جبران یارانه قیمت گوشت را عهده دار هستند.

### دیدگاه چهارم:

باید همه درآمدها و عواید حاصل از مراتع (دامداری، زنبورداری، پرورش آبزیان، گیاهان دارویی، اکوتوریسم و ...) به مرتعدار تعلق یابد. تا امکان جایگزینی درآمد و کاهش فشار دام فراهم گردد. مشکلات پیش روی این نگرش به شرح زیر است:

- در سطح قابل توجهی از مراتع کشور به جز چرای دام (به دلیل کمیت و کیفیت مراتع فعلی کشور) پتانسیل دیگری ندارند. ضمن ساز و کار، قانون و شیوه انتقال درآمد حاصل از سایر منابع به مرتعدار وجود ندارد.

### دیدگاه پنجم:

باید دامداری که اصلی‌ترین درآمد در بسیاری از دامداران است؛ علمی و اقتصادی شود. در این دیدگاه مواردی چون پروار بندی، تعداد بهینه گله، اصول صحیح تغذیه دام، اصلاح نژاد، آمیخته گری و ... مطرح است. اجرای این دیدگاه نیاز به بسترهایی دارد که در سیستم دامداری سنتی در همه مراتع فراهم نیست و نیاز به بررسی بیشتری دارد.

#### دیدگاه ششم:

مشارکت مردم در مدیریت مراتع کشور ضروری می‌داند. این دیدگاه ناکارآمدی مدیریت مراتع را ناشی از فرآیند برنامه ریزی بالا به پایین و بدون در نظر گرفتن مشارکت برداران می‌داند. براساس این دیدگاه باید اداره مراتع را به دامداران سپرد و آنها را در مدیریت مراتع خود آزاد گذاشت. دامداران توانایی مدیریت بهینه در مراتع را دارند. اشکال این روش در فرضیه بودن آن است. زیرا عده ای که این دیدگاه را قبول دارند به گذشته نگاه می‌کنند و اینکه مردم در گذشته به خوبی مراتع را اداره کرده‌اند و وضعیت مراتع در آن زمان خوب بوده است و یا حداقل به مراتب از وضعیت فعلی بهتر بوده است. اما شرایط امروز مراتع شرایط ۵۰ سال پیش نیست. مشکلات پیچیده و نوینی در مراتع در وضعیت فعلی وجود دارد که شاید با واگذاری به مردم این مشکلات حل نشود.

#### دیدگاه هفتم:

به تشکلهای، انجمن‌ها و اتحادیه‌ها اشاره دارد. بدین نحو که باید مدیریت اداره مراتع کشور بر عهده تشکلهای مردمی و غیر دولتی باشد. در این زمینه هم مشکلات حاکمیتی، قانونی و ... وجود دارد. به نحویکه نمی‌توان سازمان جنگلها و مراتع را از برخی از وظایف خود جدا کرد و اینکه اساسنامه انجمن‌های صنفی مرتعداران و دیگر تشکلهای مردمی هم برای این واگذاری از لحاظ قانونی مشکل دارد و عملاً امکانپذیر نمی‌باشد.

#### دیدگاه هشتم:

اشکال مدیریت مراتع کشور را در سیاست‌گذاری و قوانین می‌داند. به نحویکه اگر سیاستهای اصلی و بالاسری و قوانین صحیح باشند و از ظرفیت‌های لازم برخوردار باشند و همچنین اینکه بازوی اجرایی قوی و درستی داشته باشند؛ می‌توانند در بهبود وضعیت مراتع کشور نقش مهمی ایفا نمایند. اما مشکل اینجاست که همین قوانین فعلی هم به درستی اجرا نمی‌شوند و لذا به عقیده عده ای از کارشناسان تغییر سیاست و قوانین مشکل‌چندانی را حل نخواهد نمود.

#### دیدگاه نهم:

تاکید بر طرحهای مرتعداری دارد و براین مبنا همه مراتع کشور باید در قالب طرحهای مرتعداری مورد بهره برداری قرار گیرند. در حال حاضر تنها قالب و راه کاری است که دفتر امور مراتع کشور آن را به عنوان تنها راه کار مدیریت اصولی مراتع، حفظ کاربری مراتع، ایجاد انگیزه و تعلق خاطر در دامداران، بهبود کیفیت مراتع، اصلاح و توسعه مراتع و ... آن را اجرا می‌کند. به عبارتی پیروی از همین طرحها بهترین الگو برای مدیریت مراتع کشور حداقل در شرایط کنونی می‌باشد. عقیده بر این است که باید همه مشکلات مراتع در قالب این طرحها حل و فصل شوند. باید روی این طرحها تمرکز شود و در صورت لزوم جنبه‌های مختلف آن اصلاح شود. عدم موفقیت طرحهای مرتعداری در بسیاری از مناطق و به ویژه در مراتع مشاعی و روستایی باعث شده این دیدگاه از مقبولیت چندانی برخوردار نباشد.

**دیدگاه دهم:** دولت در شرایط فعلی فقط به صورت ظاهری مراتع را مدیریت می‌کند و در واقع مردم مدیریت واقعی را عهده دار هستند. مردم خود را با شرایط جدید سازگار و با همه کمبودها و سختی‌ها در حال اداره و مدیریت مراتع کشور هستند. پیشنهاد این است که این شرایط مطالعه شود. وجوه مثبت آن تایید و قانونی و جنبه‌های منفی آن نیز شناسایی و با سیاستگذاری و اصلاح قوانین به تدریج حذف شوند. از جمله اجاره مراتع در ایران عده‌ای مخالف و عده‌ای موافق هستند.

به نظر می‌رسد که ارایه یک راه حل برای کل مراتع کشور صحیح نباشد. نبود آمار درست، صحیح و قابل اعتماد از مراتع از مشکلات دستیابی به تحلیل صحیح مسائل است. در این شرایط حل یکپارچه همه مشکلات قطعاً با یک دیدگاه، یک سیاست، یک قانون و ... توفیقی در حل مشکلات مراتع کشور نخواهد داشت.

در ادامه مدیریت مراتع کشور چه باید کرد؟ شواهد حاکی است که تمرکز اطلاعات و برنامه ریزی‌ها در مراتع عشایری خیلی بیشتر از مراتع روستایی می‌باشد. در حالیکه بیشتر تخریب‌ها در مراتع روستایی کشور مشاهده می‌گردد.

- در جلسات راهبردی موضوعات متعددی بحث و بررسی شد. دو رویکرد وجود دارد. اول اینکه هر مشکل به طور جداگانه بررسی و برای هر مشکل راه حل، رویکرد و ... داشته باشیم و بر اساس آنها بخواهیم مشکلات را حل کنیم. دوم اینکه یک رویکرد کلی در نظر گرفته شود و بقیه موارد در آن رویکرد کلی دیده شوند. مراتع استرالیا، آمریکا، کانادا، ترکیه و چین شرایط نسبتاً مشابه‌ای با مراتع ایران دارند. اما آنها هم مشکل دارند. مثلاً مراتع عمومی آمریکا دارای مشکلات زیادی است. اما تفاوت آنها با ما در این است که اول از وضعیت موجود خود اطلاعات صحیح و قابل اعتمادی دارند. دوم برای مدیریت مراتع خود دارای یک راهبرد و سیاست کلان هستند. سیاستها و قوانین خود را در طول زمان مورد بررسی قرار داده و آنها را در صورت لزوم تغییر و یا به روز می‌کنند. سوم به مسایل بین المللی توجه دارند. چهارم اینکه مدیریت مراتع را از حالت حکومتی به حکمرانی تغییر می‌دهند. در سیستم حکمرانی همه ذینفعان شناسایی شده و بر اساس طبقه بندی جامعه ذینفعان مدیریت اعمال می‌گردد. به عبارتی هر طبقه از ذینفعان بسته به پتانسیل و شرایط تاثیرگذاری خود در مدیریت مراتع و تصمیم‌گیریها سهم است. متأسفانه در ایران آمار درست و قابل اعتمادی از وضعیت مراتع در کشور وجود ندارد و از آنجا که بدون اطلاعات صحیح، تصمیم درست و مدیریت اصولی غیر ممکن است

مرتع ایران ضعیف شده‌اند. نیاز به یک سیاست کلان و یا یک رویکرد کلی داریم. در برخی مسایل مثل قوانین، ممیزی، مسایل حقوقی و ... نباید ورود کنیم زیرا نیاز به متخصصان خودش را دارد و شاید هم اصلاً لازم نباشد که برای همه مشکلات چاره اندیشی شود. ما باید روی یک رویکرد اصلی متمرکز شویم و به یک نسخه برسیم و آن نسخه نهایی را برای واحدهای اجرایی کشور ارسال و پیشنهاد کنیم.

- اگر بپذیریم که داشتن رویکرد کلان، شیوه صحیح مدیریت مراتع کشور است، سوال اساسی این است که آن رویکرد کلان چیست؟ یعنی نباید به گفتن اینکه ما باید رویکرد کلان داشته باشیم اکتفا کرد و باید رویکرد عنوان شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

- ابتدا باید یک شناخت کلی از مشکلات اساسی و آمارهای ضروری (سطح مراتع، تعداد بهره بردار، تعداد دام و ...) داشته باشیم. در برخی مناطق کشور مانند استان یزد دام کم شده و در بسیاری از مناطق دام افزایش یافته است. در بسیاری از مراتع چرای دام دیگر اقتصادی نمی‌باشد. بررسی شرایط جدید به علت تغییرات صورت گرفته در دهه یا دهه‌های گذشته ضروری است. ضمن اینکه برای برنامه ریزی در هر منطقه‌ای دانستن مشکلات و شرایط مخصوص به آن منطقه از ضروریات مدیریت صحیح مراتع می‌باشد. نکته مهم دیگر اینکه برخی مشکلات فعلی مراتع مربوط به منابع طبیعی نمی‌شود و نباید منابع طبیعی آنرا حل نماید و بلکه نیاز به یک عزم ملی دارد.

- تولید امار جدید و به روز کار چندان ساده ای نخواهد بود اما اگر بپذیریم که آمار جدید هم تولید شد حال باز این سوال مطرح است که رویکرد اساسی ما در مدیریت مراتع چیست. دانستن و بررسی جوانب رویکرد بسیار مهم است. نباید قبل از بررسی رویکرد به تولید آمار پرداخته شود. باید بر اساس رویکرد بدانیم چه آماری و برای چه هدفی نیاز داریم تا نسبت به تولید صحیح آمار اقدام شود.

- شاید یکی از علل اهمیت ندادن دولت به مراتع است. وظایف سازمان جنگلها و مراتع، واضح و مشخص است. برای اجرای وظایف نیاز به بودجه، نیروی متخصص، ابزار است. دو مشکل وجود دارد. اول اینکه سازمان برای اجرای وظایف خود ابزار، بودجه، نیرو و ... مناسب در اختیار ندارد و دوم اینکه سازمان از وظایف خود دور شده یا به نوعی در انبوه مشکلات سر درگم شده و رشته اصلی کار از دستش در رفته است. گرچه در برخی موارد آمار دقیق نداریم. اما در برخی موارد هم که آمار نسبتاً صحیح و قابل اعتمادی داریم، باز هم امکان رفع مشکل و بهبود اوضاع را نداریم. با آسیب شناسی هم به نظر نمی رسد بتوان کاری پیش برد. سازمان جنگلها بودجه ای به اندازه جیره نگهداری برای مراتع اختصاص می دهد ..

- مراتع فی النفسه اقتصادی هستند. چون بدون هیچ هزینه ای درآمد دارد لذا غیر اقتصادی بودن مراتع حرف غلطی است. در ارتباط با چند منظوره بودن هم شاید سطوح زیادی از مراتع توان استفاده چند منظوره را نداشته باشند. ما باید ادامه طرحهای مرتعداری را به عنوان الگوی مدیریت بالاسری بپذیریم و آنرا ادامه دهیم. چون دولت به مردم اسناد واگذار کرده است. مردم به دولت به سختی اعتماد پیدا می کنند و به راحتی اعتماد از دست می دهند. در شرایط فعلی عدم ادامه روند اجرای طرحهای مرتعداری به معنی گرفتن اندک اعتماد مردم از دولت است. لذا باید طرحهای مرتعداری ادامه یابند و با مطالعه و تحقیق مشکلات طرحهای مرتعداری برطرف شود. طرحهای مرتعداری در مراتع مشاعی و پر جمعیت جواب نمی دهد. باید به هر طریق ممکن دامدار اضافی را از مراتع خارج کنیم. باید پروانه های چرای مازاد باطل شوند. با بهبود وضعیت مراتع کشور فواید زیادی برای عموم مردم و مملکت حاصل خواهد شد که ارزش ریالی آن خیلی بیشتر از هزینه ای است که بابت پروانه های چرای مازاد و بهبود وضعیت مراتع هزینه می گردد. از اینرو دولت باید بودجه، امکانات و نیروی متخصص کافی را در اختیار بخش مدیریت کننده مراتع کشور قرار دهد. این در حالی است که بودجه امسال مراتع کشور ۷ میلیارد و بودجه بخش بیابان ۳۰۰ میلیارد است در حالیکه همه متخصصان امر می دانند که هزینه مدیریت و احیا و اصلاح مراتع به مراتب کمتر از بیابان است.

- تمام موارد مدیریت مراتع ایران به ممیزی مرتع و طرحهای مرتعداری بر می گردد. در واقع این دو برنامه دو راهکار اجرایی و کاربردی سازمان جنگلها و مراتع است که هم دارای قالب اجرایی، قوانین مربوطه، بخش و قسمت در ادارات کل و ادارات شهرستانها، نیروی متخصص و ... است. در قالب این دو برنامه به مردم اسنادی واگذار شده و اعتمادی جلب شده است که با توقف آن اعتماد مردم به دولت از بین رفته و انگیزه مرتعداران برای حفظ مراتع خود نیز کمرنگ تر خواهد شد. لذا باید بر روی دو موضوع ممیزی و طرحهای مرتعداری تمرکز داشته باشیم و تمامی مباحث حول این دو محور انجام شود. یک طرح مرتعداری غلط نمی تواند باعث بهبود وضعیت مرتع شود. تهیه کننده و حتی گاه تصویب کننده طرحها افراد غیر متخصص هستند و اجرا کننده هم پول اجرای طرح را ندارد. چه برسد به اینکه برای تهیه طرح هم بخواهد هزینه کند. برای ۶ میلیون هکتار طرح مرتعداری خاتمه یافته که برخی از آنها نیز موفق بوده اند؛ چه برنامه ای داریم. کار دفتر فنی مرتع در حال حاضر تنها رسیدگی به واگذاریها می باشد و در واقع دفتر فنی را با بحث واگذاری مشغول و بهتر بگوییم فلج کرده اند. چرا باید واگذاریها در بهترین مراتع کشور انجام شود و چرا مراتع غیر مستعدتر برای واگذاری انتخاب نمی شوند. سازمان از نظر نیروی متخصص، اعتبار و امکانات تضعیف شده و توان آن روز به روز کمتر می گردد.

- عدم شناخت مسئولین از وضعیت فعلی مراتع کشور یک مشکل اساسی می باشد. مرتع بخش ثابت اکوسیستم و افراد بخش متغیر هستند لذا مراتع کشور باید به عنوان عنصر ثابت توسط دولت حفظ شده و مورد حمایت قرار گیرند. باید به دنبال روش بهره برداری

صحیح از مراتع کشور باشیم. شاید برای نیل به این هدف، پول، امکانات و ... زیادی مورد احتیاج نباشد. برخی مراتع برای مرتعداران اقتصادی نمی باشند. زیرا دامدار برای بهره برداری در هر مرتعی باید هزینه هایی را برای اطراقگاه، آبشخور، علوفه مکمل و ... متحمل شود. از اینرو این سخن که برخی مراتع اقتصادی نمی باشند، حرف درستی است. هندسه مراتع باید اصلاح شود و دامداری دو قطبی شود تا اقتصادی گردد. باید از تجربه دیگر کشورها برای مدیریت مراتع استفاده کرد. مدیریت جامه منابع طبیعی و اصلاح هندسه مراتع از ضروریات امر است. یعنی سیاست بالاسری باید به این مساله توجه کند.

- اینکه ما از این جلسات چه انتظار، هدف و توقعی داریم، بسیار مهم است. با روشن شدن این موارد بهتر می توان رویکردها را مشخص نمود. با توجه به وسعت و تنوع مراتع نمی توان یک نسخه واحد برای همه مراتع پیچید. ابتدا باید هدف تعیین شود و سپس راهبردها بر اساس هدف تعیین شوند. اقتصادی کردن بهره برداری (برای بهره بردار) در کنار حفظ و پایداری مراتع بزرگترین هدفی است که باید به دنبال آن باشیم و راهبردها و رویکردها بر اساس این هدف تعیین شوند. مثلاً بحث قوانین، مشارکت مردم و ... همه در این راستا مورد بررسی قرار گیرند. با برنامه های کوتاه مدت مانند پروار بندی بره ها که خود سازمان امور عشایر آنرا انجام داده است هم نمی توان انتظار معجزه در مراتع را داشت.

- هدف اصلی همه دست اندرکاران مراتع کشور حفظ کمیت و کیفیت مراتع کشور است. داشتن رویکرد و راهبرد صحیح در این زمینه بسیار مهم است. به نظر می رسد باید رویکردها در طرحهای مرتعداری باشد. طرحهای مرتعداری در بین مرتعداران شناخته شده و مشخص است. کارشناسان بخش اجرا و تحقیقات با جوانب آن آشنا هستند. ضمن اینکه این طرحها در قالب اسنادی به مردم داده شده است و تا حدودی اعتماد و مشارکت آنها را در پی داشته است. در چندین میلیون هکتار به اجرا درآمده و برای چندین میلیون هکتار دیگر هم در حال اجرا می باشد. تخریب این همه پایه که قبلاً در مراتع کشور برای مدیریت درست بنا نهاده شده، عقلانی نمی باشد اما باید موانع و مشکلاتش حل شوند. با اجرای طرحهای مرتعداری برای تمام عرصه های مرتعی کشور کمیت مراتع حفظ می شود و با تعریف قانونی مبنی بر عدم تمدید طرح و حتی واگذاری آن به شخص دیگر در اثر افت وضعیت مرتع و سپس با نظارت و پایش طرحهای واگذار شده، می توان به حفظ کیفیت آن هم کمک نمود. در جلسات قبل مقرر شد که طرحها از سه بعد مهم الف- اجتماعی، اقتصادی و اعتباری ب- سازمانی، برنامه ریزی و سیاست گذاری و ج- فنی مورد بحث قرار گیرند. در بعد فنی هم قرار شد طرحهای مرتعداری در نه مرحله ۱- مقدماتی (قبل از اجرای طرح) ۲- شرح خدمات ۳- قرار داد ۴- تهیه ۵- تصویب ۶- واگذاری ۷- اجرا ۸- نظارت و ۹- ارزیابی و پایش مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

- اینکه چي کسی تصمیم بگیرد، چي کسی مدیریت کند و چه کسی اجرا کند. دولت باید هدایت کننده باشد نه حاکم. بررسی نظامهای بهره برداری دنیا می تواند در مدیریت صحیح مراتع کمک شایانی نماید. باید نظامهای دامداری کشور در مناطق مختلف اقلیمی کشور مورد بررسی و تحقیق قرار گیرند تا شناخت ما از زوایای مختلف نظامهای مرتعداری، دانش بومی و مشکلات مرتعداری در نقاط مختلف کشور بیشتر شود و در نتیجه در اتخاذ تصمیمات مدیریتی بهتر عمل نماییم. در زاگرس نظامهای بهره برداری بختیاری، قشقای، لری، کردی و لک وجود دارد. در البرز نظامهای طالشی، گالشی، مازنی، شاهسون، قره داغ و ... وجود دارد. در مناطق استپی، بیابانی و کویری ایران نیز نظامهای ابوالحسنی، چوداری، طرود و ... وجود دارند که در آیین و رسوم بهره برداری با همدیگر متفاوت هستند.

- سازمان جنگلها و مراتع مشارکت فعال مرتعداران را نمی پذیرد و در جلسات فاع از طرحهای مرتعداری تهیه شده به مرتعدار اجازه حضور و اظهار نظر نمی دهند. کارشناس ناظر باید به دقت طرحها را نظارت کند و هرگاه فردی در نحوه اجرای طرح سستی و کاهلی نشان داد باید با جدیت طرح را از او گرفت و به دامدار موفق، علاقمند و ترجیحاً همسایه سپرد. با این کار هم مراتع را از تخریب نجات

داده ایم، هم از تعداد بهره برداران بی کفایت کاسته ایم و هم به اقتصادی شدن سطح مرتع سایر دامداران کمک کرده ایم. به گاو‌داریها یارانه می دهند اما به دامداران دام سبک یارانه نمی دهند که هیچ؛ همه گونه مقابله هم می کنند. لذا دامدار تنها چاره کار را در فشار به مرتع می بیند. مبلغ ۲۴۰ میلیارد تومان وجوه واریزی سازمان جنگلها برای دولت است. این منبع درآمد خرج مراتع نمی گردد. تشکلهای مردمی مرتع آمادگی خود را برای هر گونه کمک در مدیریت مراتع کشور اعلام می دارند.

- سازمان جنگلها و مراتع مالک مراتع وسیعی در کشور است و لذا به عنوان یک اداره واگذاری زمین نگریسته می شود. مسئولین نیز به مرتع به عنوان بانک زمین نگاه می کنند و مدیران کل منابع طبیعی نیز اغلب چاره ای جز واگذاری مراتع برای توسعه امور دولتی ندارند. بیشتر واگذاریها در مراتع مرغوب انجام می شود. به همین دلیل در ادارات منابع طبیعی علاقه ای به تهیه و تمدید طرحهای مرتعداری نمی باشد. بسیاری از مرتعداران پول تهیه طرح را ندارند و در تنگنای اقتصادی نیز قرار دارند. اغلب مرتعداران پول برای تهیه طرح مرتعداری ندارند.

- محور اصلی بحث طرحهای مرتعداری باشد و با بحث پیرامون سه محور اصلی مباحث فنی، اقتصادی- اجتماعی و سیاست گذاری مشکلات طرحها به طور کامل بررسی شود تا خروجی جلسه برای بخش اجرا مفید و کاربردی باشد

- تعداد بهره بردار در مراتع ایران زیاد است و این یک مشکل بزرگ در مدیریت مراتع کشور است. اما با توجه به واقعیت های موجود در کشور می توان به راحتی آنها را حذف کرد؟ آیا با فروش پروانه های چرای دام این معضل قابل حل است؟ باید وضعیت اعتبارات و نیروی تخصصی در بخش مرتع سازمان جنگلها و مراتع تقویت شود. معضل واگذاریهای مراتع باید با تهیه و اجرای یک ماده واحده حل نمود. رابطه مرتعداری و مدیریت جامع حوزه های آبخیز که اخیرا در سازمان جنگلها و مراتع مطرح شده است، باید بررسی شود. شاخص های یک مدیر مرتع در کشور باید معرفی شوند. باید از تجارب کشورهای دیگر در زمینه مدیریت مرتع استفاده کرد. مشارکت بهره برداران در تهیه طرحهای مرتعداری مهم است و باید به آن بها داده شود. توجه به توان مالی اندک بسیاری از بهره برداران هم در تهیه طرحهای مرتعداری باید مد نظر دولت باشد. باید طرحهای مرتعداری پس از دوره اجرا تمدید شوند نه اینکه به بوته فراموشی سپرده شوند.

- تقسیم مراتع مشاعی به واحدهای کوچکتر یک راه کار خوب می باشد. زیرا هر شخصی در این حالت گرچه دارای مرتع کوچکتری می گردد اما به لحاظ انفرادی شدن هر سطح از مرتع، از عرصه تحت مدیریت خود بهتر حفاظت خواهد کرد. باید تعداد دامداران واقعی از تعداد مجازی و روی کاغذ تفکیک داده شده و در هر منطقه به خوبی شناسایی شوند تا به این وسیله مرتعداران غیر واقعی از روی کاغذ حذف شوند.

- دفتر فنی مرتع عدد ۹۱۶ هزار خانوار بهره بردار در مراتع کشور را نمی پذیرد و معتقد است اطلاعات بهره برداران و تعداد دام آنها باید به روز شود. با هوشمند کردن سیستم نرم افزار ممیزی مرتع سازمان جنگلها و مراتع می توان آمار را به روز کرد. کد دار نمودن دامها نیز می تواند در به روز رسانی آمار دام کشور بسیار موثر عمل نماید. این کار توسط امور دام کشور در حال پیگیری و اجرا می باشد. زمانی حوزه آبخیز کرج ۱۷ قرقبان داشته است اما اکنون در کل حوزه تنها یک قرقبان شرکتهای وجود دارد.

- تقسیم مراتع مشاعی به واحدهای کوچکتر انفرادی در برخی از نقاط قاره آفریقا نیز مرسوم است و نتایج نسبتا خوبی در حفظ وضعیت مرتع داشته است. از طریق نظارت نیز می توان دامداران واقعی را از دامداران مجازی تفکیک کرد. و به این ترتیب از فشار چرا بر مراتع را کاهش داد. زیرا دامداران مجازی مراتع خود را اجازه می دهند. در حالیکه باید پروانه چرای این دسته از دامداران توسط دولت لغو شده و یا خریداری شود و به یک دامدار واقعی فروخته شود. با سیستم کدینگ نیز می توان نظارت صحیح را انجام داد بدین

معنی که دامداران و دامهای آنها کد دار شده و با یک دستگاه ریدر و یک نرم افزار به راحتی نظارت را انجام داد. ضمن اینکه نظارت بر مراتع را خود انجمن صنفی مرتعداران نیز می توانند بر عهده بگیرند.

- سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری است نه اقتصاد، اشتغال و ... به نظر می رسد جایگاه و حدود وظایف سازمان مورد توجه نیست. طرحهای مرتعداری بدون هیچ مشکلی تصویب و به راحتی در اختیار مرتعداران قرار می گیرند. لذا به دلیل سهل الوصول بودن سند و عدم نظارت و پایش درست، طرحهای واگذار شده اغلب موفق نمی باشند. اما اگر صدور سند مشروط به اجرای طرحهای و اقدامات موجود در داخل دفترچه طرح مرتعداری بود، امروز وضعیت مراتع دارای طرح مرتعداری بسیار بهتر بود.

- حذف دامدار به سادگی امکانپذیر نمی باشد و هزینه های کلان و تبعات اجتماعی دارد. به شرطی این طرح موفق خواهد بود که برای افراد مازاد اشتغال و اعتبار لازم فراهم شود. ۲۱۳ هزار خانوار عشایری در کشور داریم (در طرح تعادل دام و مرتع این میزان ۱۸۰ هزار خانوار است). گاهی یک خانواده عشایری در سیستم های آماربرداری دو بار ثبت می شود. یکبار در بیلاق و یکبار در قشلاق. لذا در تعیین آمار دامداران کوچنده باید عدد مورد نظر تعداد خانوار کوچنده در یک دوم ضرب شود.

- مرتعدار و دام باید در ایران شناسنامه دار شوند تا هم آمار به روز شود و هم مشکلات ناشی از عدم اطلاع از این آمار برطرف گردد. باید حقوق عرفی مرتعداران بیشتر شده و به طور مادام العمر پرداخت شود تا انگیزه دامداران برای حفظ مراتع خود بیشتر گردد.

- کاهش تعداد بهره بردار تنها با به روز رسانی آمار امکانپذیر است و لازم نیست اصلا دامداری حذف شود که تبعات اجتماعی داشته باشد و یا نیاز به هزینه. دیگر اینکه باید با عمل به قانون دامداران غیر دامدار یا غیر واقعی را با خرید پروانه چرا یا هر روش دیگر از عرصه مراتع خارج نموده و حذف نمود.

- سازمان جنگلها و مراتع برای تهیه نقشه سامانه های عرفی و بهره برداران موجود در سامانه ها، هزینه زیادی کرده است اما آنها را ساماندهی و ذخیره نمی کند. این نقشه یک پایه مناسب برای بسیاری از امور است. باید با کمک امور دام، سازمان دامپزشکی و سایر ارگانهای مرتبط دامها را شناسنامه دار کرد. امروزه در سازمان حفظ نباتات کلینیک هایی طراحی شده است که یک فرد از طریق رایانه شخصی قابلیت دسترسی به طیف وسیعی از اطلاعات را دارد. مشابه این سیستم را نیز می توان بری مراتع و دامها طراحی و اجرا نمود.

## جمع بندی:

- باید روی یک محور مشخص و به طور عمقی بحث شود. بحث ها در قالب قابل اجرا که ساز و کار اجرایی آن نیز مشخص است (مثل طرح مرتعداری) انجام تا کاربردی و قابل پیگیری باشند. نتیجه کار به صورت سند، رویکرد، راهبرد و ... برای مسئولین منابع طبیعی کشور و مقامات ارسال شوند. حضور مسئولین منابع طبیعی کشور در جلسات ضروری به نظر می رسد.

- مدیریت صحیح عرصه های مرتعی نیازمند یک رویکرد یا راهبرد کلان و اساسی است که همه موارد حول آن بررسی شوند.

- با توجه به سابقه اجرا، پایه ریزی ها، جلب اعتماد مردم و واقعیت های جامعه بهتر است طرحهای مرتعداری به عنوان الگوی اصلی سازمان در مدیریت مراتع پذیرفته شوند و از سه بعد مهم الف- اجتماعی، اقتصادی و اعتباری ب- سازمانی، برنامه ریزی و سیاست گذاری و ج- فنی مورد بحث قرار گیرند تا نقاط ضعف آنها شناسایی و برطرف گردد.

- بهتر است سازمان جنگلها و مراتع در راستای وظایف مشخص خود اقدام و از پرداختن به اموری که وظیفه و امکانات لازم را ندارد، پرهیز کند.

والسلام.